

واکاوی و تحلیل الگوی گردشگری در گفتمان راهبردی جمهوری اسلامی ایران

محمد رضا صالحی پور^۱، سید زکریا محمودی رجا^۲

چکیده

اگرچه مقوله گردشگری از دیرباز مورد توجه اغلب ادیان و تمدن‌ها بوده است؛ اما در دهه‌های اخیر با مطرح شدن مفهوم جهانی شدن، به‌خصوص در بعد فرهنگی، بیش‌ازپیش اهمیت یافته است. هرکدام از مکاتب و ایدئولوژی‌ها برحسب نگرشی که به جهان، هستی و انسان دارند، تلاش کرده‌اند بر اساس ارزش‌ها و هنجاری حاکم بر جوامع خود، به تفسیر و تحلیل این مقوله بپردازند. هدف مقاله حاضر تحلیل و وااشکافی جهان‌بینی‌های غربی و اسلامی یا به عبارتی نگرش‌های انسان‌محوری و خدامحوری در حیطه گردشگری است. به عبارتی تلاش می‌شود با روش توصیفی - تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای - اسنادی به این سؤال اصلی پاسخ داده شود که نگرش و جهان‌بینی تمدن و تفکر اسلامی در قبال مدیریت و توسعه گردشگری، چگونه است و چه تفاوتی با نوع غربی آن دارد؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که دیدگاه اسلام در حوزه مدیریت گردشگری، همزمان دربردارنده دو نگاه سلبی و ایجابی است. ازاین‌رو گردشگری همجنس‌گرایان، گردشگری به هدف شراب و گردشگری به هدف قمار از نمونه‌های سلبی محسوب شده و گردشگری میراث فرهنگی از بهترین نمونه‌های نوع ایجابی است. همچنین مبتنی بر فرموده قرآن، نگهداری از میراث بشری به‌عنوان مایملک خداوند بر روی زمین، امری واجب است.

واژگان کلیدی: هستی‌شناسی، جهانی شدن، گردشگری، انسان‌محوری، توحیدمحوری

1- دانشجوی دکتری گردشگری، دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول) (rezasalehipour@yahoo.com)

2- دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی (s.z.mahmodi@gmail.com)

مقدمه

گردشگری بررسی انسان و فعالیت‌های او دور از محل معمول سکونت وی و ارزیابی تأثیری است که بر محیط‌های اقتصادی، فیزیکی و اجتماعی - فرهنگی میزبانان دارد (جعفری، 1977). به نقل از کاظمی (1387: 17)، صنعتی که حدود شش درصد کل صادرات جهانی و حدود نه درصد تولید ناخالص داخلی کشورها را در سطح بین‌المللی به خود اختصاص داده است، از هر 11 شغل در کل جهان، یک شغل در آن ایجاد می‌شود و گردش مالی سالانه‌اش بالغ بر 1500 میلیارد دلار است (UNWTO, 2015).

آمارهای سازمان جهانی گردشگری دلالت بر این دارد که در دنیای کنونی، گردشگری سالانه رشدی 3/3 درصدی خواهد داشت. صنعتی که تنها 25 میلیون نفر مسافر را در سال 1950 شاهد بود، انتظار می‌رود تا سال 2030 شاهد حدود 1/8 میلیارد نفر مسافر باشد (UNWTO, 2014). در این موج جهانی ایجاد شده که می‌تواند منافع و مضرات بالقوه فراوانی را برای کشورها فراهم آورد، هریک طبیعتاً می‌کوشد تا از مضرات احتمالی به دور بماند و بیشترین منافع را به‌سوی خود جذب کند. می‌توان گفت تلاشی که در این جهت صورت می‌گیرد تا حد زیادی بستگی به سیاست‌های کلان و خرد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی جاری و یا درونی‌شده در کشورهای گوناگون دارد. آنچه برای این کشورها به‌صورت اصل یا مینا درآمده است، راهنمایی خواهد بود که مسیرهای متفاوتی را در رسیدن به اهداف صنعت گردشگری، پیش روی آن‌ها قرار می‌دهد. اگر بخواهیم به شکلی برجسته به این مسیرهای متفاوت اشاره کنیم، می‌توانیم به مقایسه کشورهای اسلامی و غیراسلامی بپردازیم.

کشورهای اسلامی و غیراسلامی، اصول حاکمه متفاوتی دارند که در برنامه‌های توسعه ایشان نمایان شده و به شکلی بارز خودشان را در سیاست‌های فرهنگی - اجتماعی جاری در این جوامع نشان می‌دهند. بخش مهمی از این اصول برگرفته از رویکرد یا رهیافت اخلاقی است که هریک در مسیر رسیدن به اهداف خود دنبال می‌کنند. این رویکرد یا رهیافت اخلاقی که به‌مرورزمان در فرهنگ به‌صورت درونی درمی‌آید تا حد زیادی به‌نظام باورهای دینی یک جامعه بستگی دارد. نظام باورهایی که ارزش‌های افراد جامعه و سپس رفتارهای آن‌ها (شامل مسوولان برنامه‌ریز توسعه گردشگری) را شکل خواهد داد (امیری و عابدی‌جعفری، 1393) و نهایتاً در الگوهای متفاوت اخلاقی توسعه گردشگری نمایان خواهند شد.

با توجه به آنچه ذکر شد و ضرورت توسعه گردشگری که جامعه ایران در آینده با آن روبرو خواهد بود و همچنین نقش محوری که ارزش‌های اسلامی در تمامی فرایندهای توسعه‌محور کشورمان بازی می‌کنند، پژوهش حاضر سعی بر آن دارد تا ضمن بیان تفاوت‌های ماهوی و ارزشی

تأثیرگذار توسعه گردشگری در بین جوامع اسلامی و غیراسلامی (با نگاه ویژه به غرب) و واشکافی آن‌ها، به ارائه یک الگوی اخلاقی در توسعه صنعت گردشگری جمهوری اسلامی ایران بپردازد.

مبانی نظری

هستی‌شناسی

از مفاهیمی که در همه مکاتب، آموزه‌ها و اندیشه‌های دینی و غیردینی همواره مهم تلقی شده است، نوع نگاه آن‌ها به هستی است. اغلب اندیشمندان و تحلیل‌گران معتقدند، هستی‌شناسی شالوده اصلی هر رهیافت را تشکیل می‌دهد. این کلمه که ریشه در یونان باستان دارد و از واژه وجود گرفته شده است، در پاسخ به این سؤال کلیدی است که آن‌چه وجود دارد چیست و چه ماهیتی دارد؟ (حقیقت، 1391: 67). تحلیل‌گران علوم اجتماعی معتقدند هستی‌شناسی عبارت است از نظریه‌ای عام درباره این‌که چه نوع چیزهایی یا جوهرهایی در جهان وجود دارند. در واقع در هر حوزه معرفتی، انواع چیزها و روابط یا فرآیندهایی وجود دارند که هستی‌شناسی خاص خود را برای طبقه‌بندی، توصیف و شناسانده شدن می‌طلبند (پنتون و کرایپ، 1384).

جهان‌بینی

مفهوم جهان‌بینی که در همه آیین‌ها و مکاتب فکری دیده می‌شود نوع نگرش، برداشت و تفکر یک مکتب، دین و ایدئولوژی¹ به جهان، هستی و انسان را شامل می‌شود. همه ادیان، مکاتب و فلسفه‌های اجتماعی متکی به نوعی جهان‌بینی بوده‌اند. در واقع این مؤلفه که قسمتی از هستی‌شناسی است، بر عناصر زیر تأکید دارد: توجیه جهان هستی، توجیه انسان و رابطه انسان با هستی. به‌طور کلی گفته می‌شود که جهان‌بینی‌ها به سه قسمت تقسیم می‌شوند:

الف) جهان‌بینی تجربی که متأثر از نوع و نگاه مکتب پوزیتیویسم² به جهان و هستی است و برای تجزیه و تحلیل همه مسائل و مؤلفه‌ها، مشاهده، فرضیه، تبیین، تکرار و آزمون را در تفکر و نگرش به جهان هستی مد نظر دارد.

ب) جهان‌بینی فلسفی که تلاش می‌کند موضع انسان در جهان هستی را بر اساس یک‌سری اصول و مؤلفه‌های بدیهی و غیرقابل‌انکار تبیین و تحلیل کند.

1- Ideology
2- Positivism

ج) جهان‌بینی دینی که می‌کوشد در کنار عقل تجربی و مباحث استدلالی فلسفی، مسائل هستی را بر پایه‌ک سری اصول دینی فرا یشری به نام وحی، به‌طورجامع مورد واشکافی و تحلیل قرار دهد (مطهری، 1392: 47 - 49).

جهان‌بینی به دنبال این موضوع که جهان هستی چگونه شناخته می‌شود و به‌ویژه به انسان چگونه نگاه و پرداخته می‌شود؟ همچنین مشخص می‌کند که در عالم چه چیزی بالارزش و چه چیزی بی‌ارزش است و البته ارزش هر چیز به چه اندازه است. ازاین‌جهت می‌توان گفت که جهان‌بینی هر فرد مولد ارزش‌های اوست. ارزش‌هایی که به حالت مجرد یاقی نخواهند ماند و اعمال افراد را به وجود خواهند آورد. پس تصمیمات انسان که ناشی از نظام ارزشی او هستند، منجر به‌نوعی از رفتار خواهند شد. درواقع ارزش‌ها، میانجی باورها و رفتارهای انسان هستند یا به‌عبارت‌دیگر اخلاق، پل ارتباط بین اعتقادات و رفتار است. اخلاقی که پایدها و نیایدهای رایج در هر جامعه را نیز شکل می‌دهد؛ بنابراین می‌توان گفت فعالیت‌های رفتاری فردی و سازمانی در جوامع گوناگون، تابع اخلاقیات فردی و اجتماعی پذیرفته‌شده توسط آن‌ها است (امیری و عایدی‌جعفری، 1393). فعالیت‌هایی که در قالب برنامه‌ریزی‌های اجتماعی، روش و نوع حرکت جوامع را تحت‌تأثیر قرار خواهد داد.

جهان‌بینی اسلامی، جهان‌بینی خدامحور و توحیدی است که در آن خداوند یکتا آفریننده جهان است و در ضمن اصالت یاخداست و انسان‌ها فرع او هستند. در این نوع جهان‌بینی انسان هم حقوق و هم مسوولیت‌هایی در مقابل خداوند دارد (مطهری، 1392: 43 - 47). یعنی همان‌گونه که خداوند حقوقی را برای انسان در نظر گرفته، مسوولیت‌هایی را نیز برای او در نظر گرفته است که درواقع این مسوولیت‌ها، حقوق خداوند بر گردن انسان‌ها هستند. میتنی بر این جهان‌بینی، انسان از حقوق و مسوولیت‌های دینی پیروی می‌کند. انسان اموری را که خداوند مجاز شمرده دنبال می‌کند و برنامه‌ریزی‌هایی را برای دستیابی به آن‌ها انجام می‌دهد. در مقابل او باید آن‌چه را از جانب خداوند منع و نهی شده کنار بگذارد و حتی فکر نزدیک شدن به آن‌ها را نیز در ذهن خود جای ندهد. ازاین‌جهت، آن‌چه نهی شده حدود انسان نام می‌گیرند که درعین‌حال بخشی از حقوق خداوند هستند که بر ضمه انسان قرار دارند.

معرفت‌شناسی

ضلع دیگر هر رهیافتی را معرفت‌شناسی¹ تشکیل می‌دهد. در این بعد ما به دنبال توضیح، تحلیل و تشریح مفاهیمی هستیم که در هستی‌شناسی آن‌ها را مفروض می‌پنداشتیم: به این معنی که

1- Epistemology

چگونه می‌توان آن مفروض‌ها را شناخت؟ درک چرایی تحول و ثبات فهم بشری از دیگر انگیزه‌های پرداختن به معرفت‌شناسی است. در معرفت‌شناسی روشن می‌شود که چگونه می‌توان درباره یافته‌های پژوهش، درباره یک حادثه یا اتفاق انسانی - اجتماعی داوری کرد (صادقی‌فسایی و ناصری راد، 1390: 84). اگرچه سؤال اصلی هستی‌شناسی چستی وجود و هستی بود اما در معرفت‌شناسی به دنبال توضیح، تحلیل و تشریح شرایط کسب شناخت درباره آن‌چه وجود دارد هستیم تا بتوانیم در برابر تحلیل‌های رقیب و متعارض، از شناخت خود دفاع کنیم (پرزگر، 1389: 34).

به‌طور کلی معرفت‌شناسی به دو نوع اثبات‌گرا و غیر اثبات‌گرا قابل تقسیم‌بندی است. در معرفت‌شناسی اثباتی که رهیافتی سنتی است، تلاش می‌شود اصول و روابط علی اجزای تشکیل‌دهنده رویدادهای جهان اجتماعی، از طریق کاوش، مورد تبیین و پیش‌بینی قرار گیرند. در دیدگاه غیر اثبات‌گرا که نقطه مقابل دیدگاه اثبات‌گرایی است، قوانین و اصول عام و جهان‌شمول نفی شده و گفته می‌شود جهان اجتماعی ماهیتی تفسیری دارد (پوریل و مورگان، 1383: 15-16). که ارزش‌ها و هنجارهای هر فرهنگ می‌توانند نقش به‌سزایی در آن ایفا کنند.

روش تحقیق

اگرچه می‌توان گفت از حیث جمع‌آوری اطلاعات، پژوهش حاضر بیشتر کتابخانه‌ای است ولی از لحاظ ماهوی، متفاوت با تحقیقات موجود است که اکثراً تجربی هستند. به‌طور کلی روش تحقیق در نظام تفکر اسلامی، ماهیتی عقلی - تعبدی دارد. روش عقلی آن است که با تکیه بر عقل صورت می‌گیرد و در آن از ابزارهای اثبات‌گراییانه تجربی رایج استفاده می‌شود. در روش تعبدی که مخصوص مسلمانان است و البته به کمال علم مطلق الهی تکیه دارد، ارزش‌های دینی دخالت داده می‌شوند و از منابع تحقیقاتی مطالعات اسلامی شامل قرآن، سنت، اجماع و البته عقل استفاده می‌شود. در روش تعبدی آن‌چه از جاتیب خداوند برای بشریت آمده منافاتی با عقل بشری ندارد (نجاری، 1393: 90 - 91). تأکید بر این تقابل، خاص فلسفه اثبات‌گرایی است که در غرب رایج است و جنگ بین علم و دین را ضرورت اجتناب‌ناپذیر تاریخی می‌داند. دکترین این فلسفه می‌گوید که شناخت تنها از راه حس و تجربه حاصل می‌شود، آن‌چه آزمون‌پذیر نباشد علم نیست و ادعاهای غیرقابل مشاهده راجع به هستی، جایی در علم ندارند (صقری‌شالی، 1388: 63). با توجه به آن‌چه گفته شد هرچند به‌زعم غربیان پژوهش باید بی‌طرف و عاری از همه ارزش‌ها و معیارهای اخلاقی باشد، علوم اجتماعی (از جمله گردشگری) باید علمی باشند که به وصف آن‌چه هست می‌پردازند، نه آن‌چه باید باشد و التزام ارزشی و اخلاقی، صرفاً بیانگر خواسته‌های شخصی انسان

است (نجمی، 1393: 124)، پژوهش حاضر بر آن است با روش تعقلی - تعبدی در قالب نگاه ویژه به قرآن، به تجزیه و تحلیل مسئله مورد بحث بپردازد.

اسلام و گردشگری

دین اسلام به عنوان خاتم ادیان که از سوی خداوند برای سروسامان گرفتن زندگی بشری نازل شده‌اند، بر گردشگری به عنوان یک مقوله مهم در زندگی بشری تأکید کرده است. آموزه‌های اسلامی سفرهایی را که با روح مفاهیم دینی سازگار است و روابط بین فرهنگی صحیح، محبت‌آمیز و عادلانه را به دنبال دارند، مورد ترغیب و تشویق قرار داده است (Din, 1989). البته برخلاف نگرش فرهنگ غربی، باید گفت که در نگرش اسلامی، سفر و گردش در عین این که باعث مسرت روح و روان افراد می‌شود، نباید تباہی با آموزه‌های اسلامی داشته باشد تا در نهایت نتیجه این سفرها بتواند ارتقای جسمانی و روحانی و سعادت دنیوی - اخروی مسلمانان را در پی داشته باشد. برای روشن‌تر شدن موضوع، در ذیل به نگاه متفاوت جهان‌بینی اسلام و دنیای غرب در حوزه گردشگری اشاره می‌کنیم.

تفاوت گردشگری در فرهنگ اسلامی و تمدن غرب

از آن‌جا که جهان‌بینی‌های متفاوت سرانجام خود را در فرهنگ‌های متفاوت جلوه‌گر می‌کنند، به تفاوت‌های رویکردی فرهنگ اسلامی و فرهنگ غربی در قبال گردشگری اشاره می‌شود. به طور کلی تفاوت سفر و گردشگری در اسلام یا جوامع غیراسلامی و غربی در این است که سفر در اسلام، مطابق با سنت‌های خداوند است و برخلاف گردشگری کاملاً تجاری - مصرفی شده امروزی که صرفاً در جهت پرآوردن امیال یک فرد است، رابطه بین میهمان و میزبان در اسلام رابطه‌ای است که سبک آن را احکام دینی تا حد زیادی مشخص کرده است (Din, 1989). اگرچه مسلمانان به داشتن تفریح در زندگی خود تشویق شده‌اند و به آنان توصیه شده که فعالیت‌های فراغتی نیز در برنامه روزانه آنان جایگاه خود را داشته باشد، از سوی دیگر آموزه‌های اسلامی توصیه‌هایی را برای چگونگی گذران این اوقات به مسلمانان تذکر داده است. به عنوان مثال می‌توان به خودداری از برهنه شدن هنگام انجام فعالیت‌های تفریحی و فراغتی عمومی (به خصوص برای زنان)، خودداری از نوشیدن مشروبات الکلی و رفتن به قمارخانه‌ها اشاره کرد (Farahani and Henderson, 2010).

برای تحلیل بنیادین این موضوع، باید به اصول بنیادین نظام باورهای دو فرهنگ اشاره کرد. اگر در دین اسلام اصالت با خدا است، پس در گردشگری هم اصالت با احکام الهی است و نیایدهایی که در شکل فعالیت فراغتی یا در شکل خوردنی و نوشیدنی ذکر شده‌اند، مهم هستند. ولی از آن‌جا که

در فرهنگ غربی، انسان‌محوری یا اصالت انسان مطرح است، خواسته‌های فردی مهم هستند. از این جهت تقریباً برای هر خواسته گردشگران، پاسخی در نظر گرفته می‌شود و زمانی که برآوردن این خواسته با منافع اقتصادی نیز همراه شود، توجیه قوی‌تری می‌یابد.

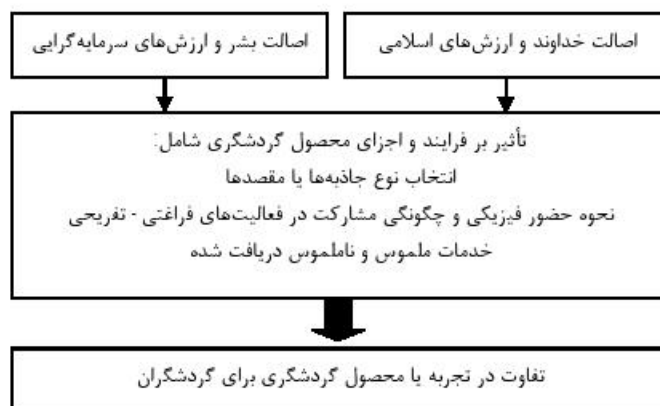
در نتیجه می‌توان گفت که در اسلام فرهنگ حاکم بر گردشگری، مهم‌تر از منافع اقتصادی محتمل است ولی در جهان غرب به علت اصالت سرمایه، بیشتر فعالیت‌های گردشگری پذیرفته شده هستند و از جایتب صنعت گردشگری یا مانعی رویه‌رو نمی‌شوند. به عبارت دیگر در اسلام هدف، رشد و کمال انسان‌ها است تا جوهره انسانیت آن‌ها شکوفا شود و نوعی از تکامل روحی و معنوی مدنظر است که در آن یا رعایت حدود الهی، نیازهای مادی انسان‌ها نیز رفع می‌شود. رویکردی که با توجه به ارزش‌های ثابت الهی و بر پایه مصالح حقیقی انسان‌ها است. تعقل اسلامی تعقلی ارزشی است که به دنبال خیر و مصلحت انسان است. ولی تعقلی که در غرب دنبال می‌شود صرفاً به دنبال فایده و سود شخصی افراد است. تعقلی که درست بودن امور را صرفاً مفیدبودن آن‌ها برای افراد به حساب می‌آورد (تجاری، 1393: 188-190). نمونه‌ای عینی از این تعقل صرفاً مادی در رویکرد اصالت منفعت و سود جرمی بنتهام و جان استوارت میل نمایان است. این دو اندیشمند معتقدند درست یا غلط بودن اعمال باید صرفاً از «پیامدهایی» که انجام این اعمال به دنبال دارد، مخصوصاً میزان خوبی یا بدی این پیامدها مورد قضاوت قرار بگیرد. در این چا ملاک سنجش، صرفاً سود و منفعتی است که از انجام اعمالی خاص حاصل می‌شود: یعنی اگر در فرایند گردشگری و در مقایسه با منافع اقتصادی کسب شده، فعالیت‌های اجرا شده فرهنگ و زیستگاه‌های یومی را تخریب کنند، یا زهم این فعالیت‌های گردشگران بدون هیچ حرف و سخنی مورد تأیید است و توجه به محیط‌زیست و ارزش‌های یومی تاریخی و دینی مردم محلی، اهمیت چندانی ندارد (Jamal and Menzel, 2009). به‌طور کلی می‌توان عنوان کرد که تفاوت این دو فرهنگ و نگرش‌های فرهنگی بر نوع جاذبه و مقصد انتخاب شده، شیوه حضور فیزیکی و چگونگی مشارکت گردشگران در فعالیت‌های گردشگری، خدماتی که می‌توانند در مقصد دریافت کنند و در نتیجه بر تجربه گردشگران اثر می‌گذارد (صالحی-پور، 1394: 246). می‌توان گفت در فرهنگ غربی حساسیت زیادی در مورد نوع جاذبه‌های گردشگری وجود ندارد: یعنی به‌عنوان نمونه موش‌پرستی یا گاوپرستی (که در برخی نقاط کشور هند وجود دارد)، می‌تواند جاذبه‌ای باشد که صرفاً دیدن، لذت‌بردن، عکس‌گرفتن و داشتن لحظاتی خوش از مشاهده آن‌ها برای گردشگران مهم است. پس در کتابچه‌های راهنما به افراد گفته می‌شود که به‌موجب دموکراسی، به این دو خدای مردم محلی احترام بگذارند. گردشگران نیز این پرستش‌ها را در قالب حقوق پسر قراردادی و انسان بنیاد، حق مردم محلی می‌دانند.

فصلنامه میراث و گردشگری

این در حالی است که در اسلام پلورالیسم یا تکثرگرایی، در زیر سایه وحدانیت و یکتایی خدا تعریف شده است. به مردم توصیه شده به دیدار از میراث ملموس و ناملموس جوامع و نسل‌های گذشته بپردازند تا این میراث تاریخی سبب عبرت‌گرفتن از گذشته و روی آوردن به یگانگی خداوند شود. به عبارت دیگر در عین این که مردم از دیدن تولیدات مثبت فرهنگی و تاریخی لذت می‌برند، باید از تولیدات منفی نسل‌های قبلی درس گرفته و به اصلاح نسل‌های آینده کمک کنند، نه این که در جوامع مختلف به بازتولید و اشاعه آن‌ها بپردازند. اسلام چندخدایی را به هیچ وجه نمی‌پذیرد و از دیدگاه این فرهنگ، پرستش موش و گاو را نباید به اسم آزادی تجارب دینی تبلیغ و ترویج کرد. اگرچه این اعتقادات از گذشته وجود دارند، ولی امروزه نباید در قالب برگزاری جشنواره‌ها و مراسم آیینی و به عنوان عرفی رایج و معمول، تبلیغ شوند. در نگاه اسلام گردشگران باید به مشاهده چنین مواردی بپردازند تا بتوانند باطل را از حقیقت تشخیص دهند. در واقع نقش عبرت‌آموز بودن میراث تاریخی گذشتگان در دین اسلام، بسیار مهم است. پس به طور کلی نمی‌توان مرزهای ارزشی و اخلاقی را به اسم مدارا زیر پا گذاشت و به اسم تکثرگرایی حقیقت را طوری پاره‌پاره تصور کرد که گویی هر بخش آن در اختیار عقیده‌های مختلفی است که در دنیا پراکنده‌اند.

از نگاه اسلام قمارخانه‌ها و شهرهایی (مثل لاس‌وگاس آمریکا) که فعالیت اصلی گردشگری آن‌ها در این زمینه تعریف شده است، نباید یک جاذبه گردشگری لقب بگیرند. همچنین گردشگران نباید مقصدها و مکان‌هایی را که مرکز اشاعه تولید و مصرف مشروبات الکلی هستند، یک جاذبه بدانند. این در حالی است که فرهنگ غرب هر دو مورد گفته شده را به عنوان جاذبه تبلیغ و برای جذب گردشگران به آن‌ها سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی می‌کند. همچنین برخلاف اسلام در سرمایه‌گرایی غربی، محدودیت زیادی برای چگونگی حضور فیزیکی و مشارکت گردشگران در فعالیت‌های فراغتی وجود ندارد. مثلاً گردشگران در جوامع غربی به راحتی می‌توانند از آفتاب‌گرفتن به شکل یرهنه در سواحل لذت ببرند. از سوی دیگر حرکات و رفتارهایی که گردشگران انجام می‌دهند اگر خلاف عفت و اخلاق باشد، اهمیت زیادی ندارد و به این موضوع پرداخته نمی‌شود که حضور فیزیکی افراد باید شیوه‌ای اخلاق‌مدارانه داشته باشد. خدمات ملموس و ناملموسی ارائه شده به گردشگران نیز محدودیت‌های فرهنگی زیادی را پیش روی خود نمی‌بیند و مثلاً گردشگران به راحتی می‌توانند در حین آفتاب‌گرفتن در سواحل، مشروبات الکلی مصرف کنند.

بنابراین فرآیند و اجزای شکل‌دهنده محصول گردشگری در فرهنگ سرمایه‌گرایی غرب با فرآیند و اجزای شکل‌دهنده محصول گردشگری در فرهنگ اسلامی تفاوت‌های جدی دارد که در شکل زیر به آن‌ها اشاره شده است:



گونه‌های گردشگری در جهان‌بینی توحیدی

جهان‌بینی توحیدی قرآن در یکی از اصلی‌ترین اهداف و شعارهای اسلام یعنی شعار لا اله الا الله قرار گرفته است. این شعار به این معنی است که از یک‌سو، مواردی سلبی وجود دارند که باید تقی شوند و از سوی دیگر، گزینه‌هایی ایجابی وجود دارند که باید در کانون توجه قرار بگیرند. در ادامه به برخی از مهم‌ترین این گونه‌های سلبی و ایجابی که با گردشگری در ارتباط هستند، اشاره می‌شود.

گونه‌های سلبی گردشگری در قرآن (لا اله)

بسط و گسترش امور سلبی فرهنگ اسلام در گردشگری به این معنی است که برخلاف پیمان فرهنگ سرمایه‌گرایی غرب که بیشتر اشکال و انواع گردشگری را به سبب درآمدزایی منتج از آن‌ها مطلوب می‌داند، در اسلام قطعاً برخی از اشکال گردشگری نفی شده و نمی‌توانند در برنامه‌های گردشگری جای داشته باشند. اشکالی از گردشگری که به دلیل تهی بودن از اخلاقیات، مورد نکوهش قرار گرفته‌اند و از جمله اصلی‌ترین آن‌ها می‌توان از گردشگری هم‌جنس‌گرایان¹، گردشگری به هدف قمار²، گردشگری به هدف شراب³ و گردشگری چهار S (دریا، ماسه، خورشید و داشتن روابط آزاد جنسی⁴) نام برد.

1-Pink tourism

2-Casino tourism

3-Wine tourism

4-Sea, sand, sun, sex

آیات مشخصی از قرآن مستقیماً این موارد سلبی را مورد تذکر قرار داده‌اند. آیات 80 تا 84 سوره اعراف، افرادی را که به همجنس‌گرایی می‌پردازند، مجرم و شایسته مجازات سنگین می‌داند. می‌توان گفت از نگاه قرآن همجنس‌گرایی باعث از هم پاشیدن خانواده و بنیان‌های اجتماعی و ویران شدن سرمایه‌های اجتماعی جوامع می‌شود. همچنین نشان می‌دهد که ارائه تعریف از حق و باطل و درست و نادرست معنایی ندارد.

آیه 219 سوره بقره، نوشیدن شراب و انجام قمار را از جمله گناهان بزرگ می‌شناسد. به‌علاوه در آیه 90 سوره مائده، نوشیدن شراب و انجام قمار جزء اعمال شیطانی محسوب می‌شوند. انجام قمار می‌تواند باعث شکل‌گیری برخی جنایات‌ها شده و به هدر رفتن منابع مالی و زمانی افراد منجر شود. از سوی دیگر کسی که در این بازی بازنده می‌شود و گاهی تمام دارایی خود را از دست می‌دهد، یا به کناره‌گیری از دیگران و عزلت رو می‌آورد که می‌تواند باعث افسردگی او شود یا احتمالاً حالت پرخاشگری و خشم پیدا می‌کند که در نهایت نتایج منفی اجتماعی آن در جامعه بروز خواهد کرد. نوشیدن شراب نیز باعث زایل شدن عقل انسان می‌شود و می‌توان گفت به این دلیل اسلام به شدت مخالف شراب‌خواری است. از جهت علمی نیز شراب ضررهای جسمی مختلفی را به همراه دارد که دانشمندان به برخی از آن‌ها از قبیل بیماری‌های قلبی اشاره کرده‌اند.

لازم به ذکر است که این سه عمل، از نظر فرهنگ اسلامی جزء گناهان کبیره هستند (دستغیب، 1391) و خداوند نیز راجع به سرانجام انجام دهندگان گناهان کبیره، تذکراتی جدی و درخور تأمل اشاره کرده است.

البته در این زمینه ارسطو توانایی عقل ابزاری انسانی را مطرح می‌کند و می‌گوید می‌توان آن شکل از گردشگری را دنبال کرد که توانایی داشتن زندگی خوب را برای مردم افزایش می‌دهد و لذت گردشگران را همراه با رفاه جامعه محلی دنبال می‌کند. اهدافی که صرفاً یا به‌کارگیری خرد عملی یا عقل ابزاری انسانی قابل حصول و دستیابی هستند (Jamal and Menzel, 2009)

در این مورد نیز باید گفت اگرچه اسلام به‌کارگیری عقل و خرد را جزئی لاینفک از زندگی تمام بشریت محسوب می‌کند ولی اخلاق اسلامی صرفاً متکی بر عقل عملی قراردادی بشری نیست بلکه قواین و دستورات الهی، مقدم بر این عقل ابزاری و ناظر بر آن خواهند بود زیرا استفاده از خرد عملی صرف در دیدگاه ارسطو مربوط به زمانی است که فرض می‌شود عقل انسانی به صحیح‌ترین و اخلاقی‌ترین شیوه خود عمل می‌کند. علاوه بر این هر آنچه در دیدگاه خرد عملی غربی برای جامعه مفید است، از دیدگاه خرد عملی اسلامی، لزوماً برای جامعه چنین کارکردی نخواهد داشت. دلیل این است که در اسلام اخلاقیاتی که هدایتگر عقل بشری‌اند، به فرمان‌های الهی متکی هستند و نه به آنچه صرفاً عموم جامعه به‌صورت قراردادی آن‌ها را می‌پذیرند. باورهایی قراردادی که ممکن است

انسان را به نابودی بکشانند. مثلاً بنا بر تعریف غیر الهی از حقوق بشر غربی، در گردشگری، ارتباط جنسی دو همجنس برحسب تعریف غیرتوحیدی از حق جایز است. ولی الگوی فرهنگی گردشگری در اسلام، پرداختن به اشکال خاصی از گردشگری را به دلیل نتایج منفی متعاقب و قطعی، ممنوع کرده است زیرا با تحقق این ممنوعیت از بروز نتایج منفی قابل پیش‌بینی، جلوگیری خواهد شد و نه تنها اثرات منفی بر منابع گردشگری جامعه مقصد، به صفر میل می‌کند؛ بلکه نبود این اثرات منفی می‌تواند نتایج مثبت بالقوه‌ای مثل عدم سقوط اخلاقیات انسانی را برای جوامع به همراه داشته باشد (صالحی‌پور، 1394: 248-249).

مورد دیگر نفی برهنگی (به هدف تفریح و فراغت) است. در نگاه دینی فراهم کردن محیط و زمینه برای بهره‌مندی از جاذبه‌های جنسی مردود دانسته شده و بارها همانند آنچه در آیه 55 سوره جاهلیه آمده، به موضوع پوشش پرداخته شده است. دلیل این است که به خصوص با برهنه‌شدن زنان در انتظار عموم، انسانیت زنان تقریباً به کنار گذاشته می‌شود و زنانگی آنان مطرح می‌شود. از سوی دیگر برهنگی می‌تواند بنیان خانواده‌ها در معرض تهدید قرار دهد. اگر هر مردی جذب کشتش ایجاد شده از سوی سایر زنان شود، دیگر تعهد متقابل دوجانبه‌ای در خانواده باقی نمی‌ماند و این مهم‌ترین نهاد اجتماعی هر جامعه فرومی‌باشد.

ممکن است این پرداخت شکل بگیرد که موارد نهی شده ذکر شده، تنها به خود فرد و تمایلات او مرتبط هستند و نمی‌شود برای آن‌ها محدودیت قائل شد زیرا جزئی از حقوق فردی افراد هستند. برای رفع این مسئله اول باید بدانیم تعریف ما از انسان چیست و هدف زندگی او را چه می‌دانیم؟ این موارد مشخص می‌کند انسان چگونه حقوقی دارد و به چه دلیل این حقوق را برای او متصوریم. آیا انسان، حیوان ناطقی است که صرفاً مدت‌زمانی کوتاه این دنیا است و باید از هر چه لذت می‌برد، استفاده کند؟ آیا او باید به دلیل فانی بودن، تمامی لذات موجود را یا کمترین هزینه و انرژی به دست آورد؟ یا آیا انسان اشرف مخلوقات و موجودی ابدی است که به‌منظور رسیدن به کمال انسانی و سعادت اخروی زندگی می‌کند؟ از نظر دین اسلام، انسان موجودی ابدی است که البته در سایه وحدانیت خداوند تعریف می‌شود؛ بنابراین حقوق انسان مسلمان، ریشه الهی دارد. همچنین خداوند حدود یک فرد مسلمان را مشخص کرده است. از این منظر، هر آنچه در جهت رسیدن او به کمال انسانی باشد، جز حقوق اوست و هر آنچه باهدف آفرینش انسان در تضاد باشد، جز حقوق او نیست بلکه جز حدود اوست؛ به‌عبارت‌دیگر همه‌چیز جزء حقوق بشر نیست زیرا همه‌چیز با حقیقت بشر سازگار نیست. برای مشخص شدن این موضوع در عرصه گردشگری، می‌توانیم به گردشگری به هدف خودکشی¹ و گردشگری به هدف استفاده از مواد مخدر¹ که در فرهنگ سرمایه‌گرایی غرب

1- Suicide tourism

رواج دارد، اشاره کنیم. انواعی از گردشگری که جزئی از حقوق بشر محسوب می‌شوند. حقی که اذعان به «تعیین سرنوشت انسان به هر نحو» دارد. این در حالی است که انسان مسلمان نمی‌تواند حق حیات را از خود سلب کند زیرا حق حیات بشری، یک حق صرف نیست، بلکه به نوعی تکلیفی الهی است که بر دوش هر فرد مسلمان قرار دارد.

از آنچه گفته شد می‌توان فهمید که قواعد اخلاقی اسلام، حالت نسبی صرف به خود نمی‌گیرد زیرا نسبی‌گرایی بیان می‌کند که هیچ حقیقت ثابتی وجود خارجی ندارد و همه ارزش‌ها حالت شخصی دارند؛ اما این در صورتی است که در دین اسلام همه چیز شخصی نیست؛ بلکه اصول و اموری حتمی وجود دارند که وحیانی و قطعی‌اند. در جامعه اسلامی برخلاف جامعه غربی، زندگی فلسفه‌ای الهی دارد و هر چه برای شخص لذت‌بخش می‌شود در فهرست حقوق او قرار نخواهد گرفت. اگر در عرف رایج غرب فقط بهره‌مندی از روابط کارکردی دنیوی مدنظر است، در اسلام استفاده از روابط کارکردی دنیوی، در جهت رسیدن به خیر اخروی است. پس یک فرد مسلمان به همه چیز هم زمینی و هم آسمانی نگاه می‌کند. به‌طور کلی در دین اسلام منابع اخلاق و حقوق فردی و اجتماعی، یکسان هستند و این اصول اخلاقی هستند که باعث به وجود آمدن حقوق مختلف می‌شوند، نه تمایلات نفسانی شخصی که ممکن است هر فرد در ذهن خود داشته باشد (همان: 249 - 250).

گونه‌های ایجابی گردشگری در قرآن (الآن الله)

اگرچه دین اسلام، مسلمانان را از جنبه‌های سلبی گردشگری بر حذر داشته است، ولی در نگاه فرهنگی او گردشگری جنبه‌های ایجابی نیز دارد که به دلیل اخلاقی بودن، رعایت حدود الهی و کمک به رشد فکری و معنوی انسان، مورد تشویق و ترغیب قرار گرفته‌اند. به‌طور کلی، خداوند در قرآن کریم و در ادامه عبارت «بر روی زمین گردش کنید» سه مورد را تذکر داده است:

الف) دیدار از میراث مادی و معنوی که از جوامع قبلی به‌جامانده و عبرت گرفتن از سرگذشتی که برای آن‌ها رقم خورده است تا به این وسیله نسل‌های آینده هدایت شوند
 ب) دیدن آفرینش خداوند و درک خلقتی که او در زمین انجام داده است
 پ) شناختن و درک انسان‌های دیگر و همچنین تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی که بین جوامع انسانی گوناگون و در سطح کره زمین وجود دارد

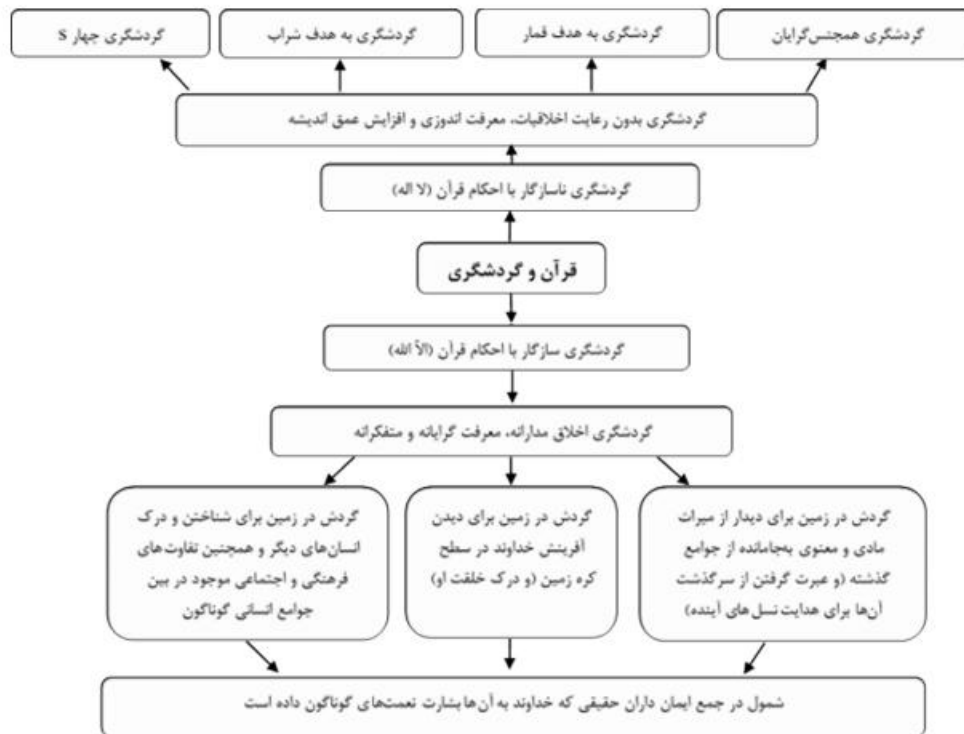
در مورد عبرت گرفتن از میراث گذشتگان و آنچه برای آنها اتفاق افتاده است، آیات زیادی در سوره‌های مختلف وجود دارند. آیه‌های 66 یقره، 137 و 138 آل عمران، 36 نحل، 11 انعام، 163 اعراف، 100 هود، 109 یوسف، 128 طه، 45 و 46 حج، 9 و 42 روم، 26 سجده، 137 و 138 صافات، 21 و 82 غافر، 44 فاطر و 10 سوره محمد، به این موضوع اشاره کرده‌اند. حضرت علی هم در نامه شماره 31 در نهج البلاغه، به فرزند خود امام حسن (ع) توصیه می‌کند که «پسرم در دیار و آثار ویران رفتگان، گردش کن و ببیندیش که آنها چه کردند» (دشتی، 1381).

راجع به درک خلقت و آفرینش خداوند، آیه 20 سوره عنکبوت به صورت مستقیم به انسان‌ها سفارش کرده تا برای هرچه بیشتر شدن این درک، به سفر بپردازند. قُلْ سِرُّوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ: بگو در روی این زمین سیر کنید، پس بنگرید که چگونه آفریدگان را ایجاد کرده، سپس خداوند عالمی دیگر را احداث خواهد کرد. حقا که خدا یر همه چیز تواناست.

در ارتباط با شناخت دیگر انسان‌ها و درک تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی بین آنها نیز آیه 13 سوره حجرات به شکلی مشخص، سفر در جهت رسیدن به این هدف را توصیه و ترغیب کرده است: « يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ: ای مردم ما شما را از یک مرد و زن خلق کردیم و شما را به صورت جماعات بزرگ و کوچکی قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا باتقواترین شماست، به درستی که خدا دانا و آگاه است.

نتیجه این سفرها که اخلاق‌مداری‌بودن، کسب معرفت، افزایش عمق اندیشه، باروری فکر انسان و شناخت بیشتر خداوند را دربر خواهند داشت، طبق تفسیری که در کتاب تفسیر نمونه (جلد 8: 191) و در ذیل سوره مبارکه توبه اشاره شده، بشارت خیر و نعمات خداوند برای مسافران این سفرها است و البته خداوند این افراد را جزء مؤمنان حقیقی به حساب می‌آورد (مکارم شیرازی، 1353).

فصلنامه میراث و گردشگری



شکل 2) قرآن و گردشگری سالمی و ایجابی

با توجه به آنچه بیان شد می‌توان گفت بیشتر اشکال گردشگری که اخلاق‌مداری را موردتوجه خود قرار می‌دهند، در فرهنگ اسلام دارای جایگاه هستند. برای نمونه در آیه 5 سوره جاهلیه، به‌نوعی گردشگری علمی موردتوجه است « وَ اِخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ مَا اَنْزَلَ اللّٰهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَاُخْبِيا بِهٖ الْاَرْضِ يَغْدُو مَوْتِهَا وَ تَضْرِيْفِ الرِّياحِ اَيَّاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُوْنَ: و در اختلاف شب و روز و رزقی که خدا از آسمان نازل می‌کند و به‌وسیله آن زمین را بعد از مردنش زنده می‌سازد و در گرداندن پادها نشانه‌هایی برای اهل تعقل هست. همچنین اشکال عمده گردشگری مثل گردشگری به هدف کسب‌وکار¹ و گردشگری دیدار از دوستان و آشنایان² موردتأیید دین اسلام هستند، ولی در این موارد هم اسلام نظراتی دارد. برای مثال سفر و گردشگری به هدف کسب‌وکار و تجارت نباید تجارت موارد ممنوعی مثل مشروبات الکلی و ... را به همراه داشته باشد یا تجارتي باشد که همراه با دادن و

1-Business tourism

2-Visiting friends and relatives

27 واکاوی و تحلیل الگوی گردشگری در گفتمان راهبردی جمهوری اسلامی ایران

گرفتن ربا است. به‌طور کلی راه گردشگری، تفریح و فراغت در دین اسلام باز گذاشته شده ولی در مورد چگونگی و نحوه انجام آن‌ها ملاحظات مورد توجه قرار گرفته است. اسلام نمی‌گوید چرا به سفر و گردش می‌پردازید بلکه می‌گوید چگونه به سفر می‌پردازید و به چگونه سفری می‌پردازید.

کارکردهای الگوی قرآن محور توسعه گردشگری در گردشگری جامعه اسلامی

با توجه به گفته شد و مفاهیمی که در دل الگوی فوق نهفته است، چند اصل در توسعه گردشگری جامعه اسلامی خاطر نشان می‌شود:

لزوم حفاظت و حراست از میراث بشری

بر پایه آنچه از مفاهیم قرآنی در مورد گردشگری برداشت می‌شود و برخلاف الگوی اصالت سود و منفعت بن‌تھام و میل که هیچ توجهی به جامعه محلی و حفاظت از میراث و دارایی‌های طبیعی و فرهنگی آن ندارد، قرآن نه تنها تأکید دارد که میراث بشری و منابع گردشگری به‌جامانده از گذشتگان باید مورد توجه باشند، بلکه آن‌ها را متعلق به خدا دانسته (سوره آل عمران، آیه 180) و فعالیت مناسب و عاقلانه در این راه را حفاظت از میراث مادی و معنوی به‌جامانده از جوامع پیشین می‌داند (سوره دخان، آیات 25 تا 28)



شکل 3) لزوم نگهداری از میراث بشری از نگاه قرآن

از نگاه قرآن میراث مادی و معنوی به‌جامانده از گذشته، متعلق به خداوند است و باید در حراست و انتقال این میراث به نسل‌های آینده کوشید. به‌علاوه از نظر اسلام نباید مردم یومی و محلی صرفاً وسیله دستیابی سرمایه‌داران به منافع اقتصادی خود باشند. فرهنگ تاریخی مردم مقصد، فقط ابزاری برای جذب گردشگران نیست و محلی‌ها نباید صرفاً اثرات منفی حاصل از گردشگری را بر دوش بکشند. از این جهت بهره‌کشی مالی و جانی و تهی سازی منابع ملی و محلی به‌شدت مورد نکوهش قرار می‌گیرد. در اسلام خیر فردی به همراه خیر اجتماعی مدنظر بوده و رعایت حق الناس و حق الله هر دو و به شکل هم‌زمان مورد توجه هستند.

توجه خاص به گردشگری میراث فرهنگی برای توسعه گردشگری ایران

توجه به آیات قرآن نشان می‌دهد که گردشگری میراث فرهنگی از توصیه‌شده‌ترین اشکال گردشگری است و خداوند مسلمانان را به این نوع از گردشگری تشویق کرده است.

به‌طور خلاصه گردشگری میراث فرهنگی، گردشگری متمرکز بر کلیه دارایی‌ها، منابع و سرمایه‌های ملموس و ناملموس فرهنگی به ارث رسیده از گذشته است (صالحی‌پور، 1394: 19). این شکل از گردشگری شامل دیدار از قلعه‌ها، کاخ‌ها، سایت‌های باستانی، یادمان‌ها، موزه‌ها، خانه‌های تاریخی (Smith, 2003: 37)، نمایش‌های تاریخی ((Richter, 1999)، جشنواره‌های سنتی و هنرهای قومی (Sofield and Li, 1998: 364) است.

قرآن در پایان برخی از آیه‌هایی که در مورد گردش بر روی زمین و دیدار از میراث پیشینیان حرف زده، این عمل را نشانه‌های اهل تفکر، اهل خرد و اندیشمندان عنوان کرده است: بنابراین می‌توان گردشگران حوزه میراث فرهنگی را جز این دسته از افراد به حساب آورد. گردشگرانی آموزش‌دیده، آگاه به رفتارهای مناسب و نامناسب (Poon, 1993) و اخلاق مدار (Buhalis and Costa, 2006: 69) که نسبت به رفتارهای خود در جامعه میزبان حساس هستند. افرادی که با خودداری از مصرف الکل، احترام به پوشش مرسوم هر جامعه، توجه زیاد نسبت به محیط‌زیست و به‌طور کلی عدم تحمیل فرهنگ خود بر فرهنگ میزبانان، به فرهنگ جامعه میزبان احترام می‌گذارند (Butcher, 2003).

نتیجه‌گیری

جهان‌بینی‌های متفاوت کشورهای اسلامی و غربی راه‌های متفاوتی برای آن‌ها گشوده تا بتوانند به اهداف خود در صنعت گردشگری دست یابند. نظام پاورهای متفاوتی که در برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و هدایت فرایندهای این صنعت و سرانجام بهره‌برداری از منافع آن تفاوت‌های بنیادینی دارند. خدامحوری اسلامی برای مسلمانان پایدها و نیایدهای زیادی را وضع می‌کند و در تقابل با انسان‌محوری غربی که گردشگری به هر شکل و هر سبک را می‌پذیرد، مواردی را در گردشگری تجویز می‌کند که از حیطه نظارت الهی عبور کرده باشد. پس گردشگری اسلامی گردشگری متوجه به ارزش‌ها است. ارزش‌هایی که از پایداری و نیایدها پیروی می‌کنند و برنامه‌ریزی گردشگری را صرفاً بر اساس آنچه عقلانیت ایزاری و حسی ارائه می‌کند، جایز نمی‌دانند.

گردشگری اسلامی یا مبنای نگرش توحیدی همانند شمشیری دو لبه، اگرچه مسلمانان را از اشکال خاصی از گردشگری بر حذر داشته ولی درعین‌حال آنان را به اشکال خاصی نیز ترغیب کرده که دیدار از میراث فرهنگی جوامع دیگر یا گردشگری میراث فرهنگی از جمله بارزترین آن‌هاست که

29 واکاوی و تحلیل الگوی گردشگری در گفتمان راهبردی جمهوری اسلامی ایران

علاوه بر سازگاری پامشی الهی، راهکار مناسب توسعه گردشگری در جوامع اسلامی و البته جمهوری اسلامی ایران است. از سوی دیگر گردشگری میراث فرهنگی این نکته را به برنامه‌ریزان گردشگری کشورهای اسلامی یادآور می‌شود که حفاظت از میراث ملی و محلی وظیفه‌ای دینی است و میراث بشری متعلق به خداست. پس فرد تصمیم‌ساز و برنامه‌ریز گردشگری در کشور ایران، باید نگاه ارزش محوری داشته باشد که هم به حراست از حدود الهی می‌پردازد و هم به دنبال بهره‌برداری بهینه از صنعت گردشگری برای آبادسازی و پیشرفت کشور است.

در این‌باره باید گفت که با مطرح شدن پارادایم جهانی شدن، فرصت و تهدیدات فراوانی برای هویت و ارزش‌های ایران فراهم شده است. هر چند برخی بر این اعتقادند که جهانی شدن فرهنگ، به دنبال گسترش و تعمیق فرهنگ مصرفی سرمایه‌داری، استعمار و استثمار بشریت به شیوه نوین است و از راه گردشگری در پی تقویت و توسعه اهداف مادی گرایانه خود است: اما از سوی دیگر فرصت مناسبی برای جمهوری اسلامی ایران فراهم کرده است تا از طریق فراهم کردن یس‌ترهای لازم، به گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی از راه گردشگری بپردازد.

منابع

- امیری، علی‌نقی؛ عابدی‌جعفری، حسن، (1393)، مدیریت اسلامی: رویکردها، تهران: سمت
- برزگر، ابراهیم، (1389)، «رهیافت بومی‌سازی در علوم انسانی»، فصل‌نامه روش‌شناسی در علوم انسانی، ش 63، صص: 20-53
- بتون، تد و یان کرایب، (1384)، فلسفه علوم اجتماعی: بنیادهای فلسفی تفکر اجتماعی، (شهناز مسمی پرست و محمود متحد)، تهران: نشر آگه
- بوریل، گیسیون و مگارت مورگان (1383)، نظریه‌های کلان جامعه‌شناسی و تجزیه و تحلیل سازمان، (محمدتقی نوروزی)، تهران: سمت و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
- حقیقت، صادقی، (1393)، روش‌شناسی علوم سیاسی، قم: دانشگاه مفید
- دستغیب، عبدالحسین، (1391)، گناهان کبیره، قم: دفتر اسلامی. چاپ بیست و پنجم.
- دشتی، محمد، (1381)، ترجمه نهج‌البلاغه، قم: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین
- صادقی‌فسایی، سهیلا و محسن ناصری راد، (1390)، «عناصر بنیادین پژوهش کیفی در علوم اجتماعی: هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی روش‌شناسی»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره پنجم، ش 2، صص: 89-98
- صالحی‌پور، محمدرضا، (1394)، مدیریت گردشگری میراث فرهنگی: راهنمای عمل، اصفهان: چهارباغ
- صفری‌شالی، رضا، (1388)، راهنمای تدوین طرح تحقیق، تهران: نشر جامعه و فرهنگ
- قرآن کریم
- کاظمی، مهدی، (1387)، مدیریت گردشگری، تهران: سمت
- مطهری، مرتضی، (1392)، مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، تهران: صدرا
- مکارم شیرازی، ناصر، (1353)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه
- نجاری، رضا، (1393)، مبانی مدیریت اسلامی، تهران: دانشگاه پیام نور
- Buhalis, D., Costa, C(2006). Tourism Business Frontiers: Consumers, products and industry. Burlington: Butterworth-Heinemann.
- Butcher, J(2003). The Moralisation of Tourism: Sun, sand... and saving the world? New York: Routledge.
- Din, K. H(1989). Islam and tourism: Patterns, Issues, and Options. Annals of Tourism Research, Vol(16): 542-563
- Farahani, H, Z., Henderson, J.C.(2010). Islamic Tourism and Managing Tourism Development in Islamic Societies: The Cases of Iran and Saudi Arabia. International journal of tourism research, 12: 79-89
- Jamal, T., Menzel, CH(2009). Good Actions in Tourism. In: Tribe, J.(Eds.). Philosophical Issues in Tourism. Bristol: Channel View.
- Poon, a(1993). Tourism, Technology and Competitive Strategies. Wallingford: CABI.

- Richter, L.K.(1999). The politics of heritage tourism development: Emerging issues of the millennium. In: Pearce, D., Butler, R. W.(Eds.). Contemporary issues in tourism development. London: Routledge.
- Smith, M. K(2003). Issues in Cultural Tourism Studies. London: Routledge
- Sofield, T.H.B., Li, F.M.S(1998). Tourism Development and Cultural Policies in China. *Annals of Tourism Research*, 25(2): 362-392.
- UNWTO,(2014). Tourism Highlights, Retrieved(14/12/2014) From <http://mkt.unwto.org/publication/unwto-tourism-highlights-2014-edition>
- UNWTO,(2015). Tourism Highlights, Retrieved(25/10/2015) from <http://www.e-unwto.org/doi/book/10.18111/9789284416899>.
- Monterrubio, Fernández, Gullete ,(2001), Tourism And Social Change. A Qualitative Study On Community Perceptions In Huatulco, Mexico.
- [Http://Masraf.Rasekhoonblog.Com/Show/46069](http://Masraf.Rasekhoonblog.Com/Show/46069)